

قضیه درد و رنج حیوانات و احکام فقهی

نویسنده: ابراهیم احمدیان^۱

این یادداشت به صورت مختصر توضیح می‌دهد دین اسلام قابلیت‌هایی بسیار قابل توجه برای پایین آوردن مصرف گوشت، زدودن رنج و درد از حیوانات، منع شکار حیوانات و بهبود وضعیت محیط‌زیست دارد. این قابلیت‌ها در متون دینیه دیگر ادیان موسوم به ابراهیمیه وجود ندارند. با توجه به بحران فعلی محیط‌زیست و با استفاده از منابع روایی و فقهی حتی می‌توان از باب احکام ثانویه مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت را در موارد بسیاری تحریم نمود و این حکم در سطح وسیع می‌تواند به بهبود وضعیت آب و هوایی و کمک به بقای حیات وحش منجر شود.

تا همین اواخر - یعنی تا دو قرن پیش - نگاه فلسفه غرب به حیوانات بسیار بی‌رحمانه بود. در این نگاه، آنچه یک موجود جاندار را ذی‌حق می‌کرد، چیزی بود که آن را «دارا بودن عقل و مرتبه وجودی بالا و یا برگزیدگی» می‌دانستند. در فلسفه ارسطو و رواقیان ظاهراً خردورز و عاقل بودن (و به تعبیر صریح‌تر: آدم بودن) ملاک ذی‌حق بودن است. در نظام‌واره کیهان‌شناختی ارسطو، حیوانات در یک چرخه و سلسله‌مراتب وجودی، در پایین جدول جای دارند و در خدمت مراتب بالایی جدول‌اند و بدین رو، هرگونه بهره‌کشی از حیوانات می‌تواند توجیه پذیرد. و از همین رو است که در باور پیتر سینگر فیلسوف فایده‌گرای حامی حیوانات، تسلط نظریه ارسطو بر جهان فلسفه و کلیسا، از اقبال بد حیوانات بوده است. بنابر تفسیر آکویناس فیلسوف رسمی کلیسا، از سفر آفرینش، خداوند به انسان‌ها اجازه داده است بر حیوانات مسلط باشند و برای خداوند مهم نیست انسان با حیوانات چه می‌کند. تنها دلیل آکویناس برای ضرورت پرهیز از رفتار سنگدلانه با حیوانات این است که این کار می‌تواند به سنگدلی انسان بینجامد. رنج حیوانات برای آکویناس اهمیت نداشت. کانت با نگاه انسان‌محورانه معتقد بود که انسان مستقیماً وظیفه‌ای در قبال حیوانات ندارد و حیوانات فقط وسیله‌ای برای رسیدن انسان خردمند و قانون‌گذار به غایات خودند. دکارت معتقد بود که حیوانات رنج

^۱ روزنامه‌نگار و پژوهشگر مطالعات اسلامی

نمی‌کشند. در نظرگاه دکارت حیوانات به‌سان اشیای مکانیکی تنزل یافته‌اند؛ آن‌ها مانند ساعت‌اند که با تکان خوردن، صدا تولید می‌کند.

در قرون اخیر، یعنی از اواخر قرن ۱۸ و اوایل ۱۹ مسئله رنج حیوانات مطرح شد و پارادایم پیشین را به چالش انداخت. پارادایم پیشین این بود که ملاک ذی‌حق بودن یک جاندار، بهره‌مندی او از عقل است. اینک مسئله‌ای رخ نمود: «درد و رنج»؛ آیا توانایی درک درد و رنج، ملاک ذی‌حق بودن نیست؟ فارغ از اینکه یک جاندار خردمند باشد یا نه، آیا همین که توانایی درک درد و رنج را دارد، برای اینکه ما انسان‌ها در قبال او احساس مسئولیت کنیم، کافی نیست؟ مسئله درد و رنج از این‌پس اهمیت پیدا کرد؛ هر فیلسوفی که به درد و رنج حیوانات باور یافت، غالباً در قبال سرنوشت حیوانات و رفتار انسان با آن‌ها موضعی به نفع حیوانات گرفت. در این میان ظهور جرمی بن‌تام فیلسوف فایده‌گرا در طرح و قوت گرفتن پارادایم دوم، نقشی بسزا داشت. او می‌گفت حیوانات درد دارند؛ آن‌ها فقط توانایی عقل‌ورزی ندارند و حرف نمی‌زنند؛ اما قواعد اخلاقی و حقوقی، تنها متوجه جاندارانی نیست که خرد می‌ورزند و سخن می‌گویند بلکه هر جانداری که درد و رنج را احساس می‌کند، مشمول این قواعد است؛ جاندارانی که بتواند درد و رنج را احساس کند، دیگر نباید به آن به‌مثابه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نگریست.

مایه‌های اسلامی پارادایم درد و رنج حیوانات

قول به توانایی درد و رنج در حیوانات را «پارادایم» می‌خوانیم زیرا در سایه آن نظریه‌ها و احکام بسیاری می‌تواند رخ بنماید. ظاهراً قبول توانایی حیوانات برای درک درد و رنج در اسلام پیشینه‌ای دیرین دارد و به خود پیامبر اسلام بازمی‌گردد. ما در اسلام با فضایی برمی‌خوریم که توجه به «توانایی حیوانات برای درک درد» در آن کاملاً مشهود است. از کلیت متون دین اسلام دریافته می‌شود که حیوانات درد و رنج دارند و موضوع درد و رنج حیوانات، در جایی که پای بهره‌کشی از حیوان به میان می‌آید، آشکارا یکی از میدان‌دارهای مهم احکام فقهی است. توضیح اینکه در این متون، انسان حسابی ویژه در میان جانداران دارد و آنچه تاکنون از متون دینی اسلام تفسیر شده است، تقریباً همگی بر این معنا دلالت دارند که انسان بر حیوانات تسلط دارد و خدا این حق را به او داده که از حیوانات به نفع خود بهره‌برداری کند ولی این بهره‌برداری به صورت مطلق و نامحدود نیست و پاره‌ای اصول کلی اخلاقی و فقهی بر آن حاکم است مانند پرهیز از زیاده‌روی و اسراف و ضرر رساندن. در واقع، بنابر منابعی که در دست داریم، اسلام تنها به قدر نیاز و ضرورت اجازه بهره‌برداری از حیوانات را داده. بهره‌کشی بیهوده یا شکار به قصد تفریح در اسلام ممنوع

است. فقهای شیعه در نهی و منع از شکار تفریحی تا آنجا پیش رفته‌اند که سفر برای شکار تفریحی را سفر حرام اعلام کرده‌اند. از جمله علامه حلی گفته: «عدم قصر الصلاه فی المتصيد لهواً دون المتصيد للقتل أو التجاره»؛ (حلی، الجامع للشرایع، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰) در اینجا، علامه حلی با استناد به روایات و قواعد فقهی، شکار تفریحی را حرام اعلام کرده و گفته اگر شکار برای رفع گرسنگی یا برای کسب درآمد مالی برای زندگی نباشد، حرام است و کسی که برای این شکار غیر ضروری سفر می‌کند، چون سفرش حرام است، نماز او شکسته نیست و اگر ماه رمضان به سفر رود، باید روزه بگیرد. توجه کنید که در آن زمان، شکار کردن یک راه درآمد بوده و شکار می‌توانسته خرج زندگی کسی را تأمین کند و شاید اگر شکار در آن زمان همچون زمان ما چنین قابلیت‌هایی را نمی‌داشت (و به عکس، دارای زیان‌های دوره ما می‌بود)، حکم به حرمت هر گونه شکار صادر می‌گشت؛ زیرا ایراد درد و رنج غیر ضروری بر حیوانات برای به دست آوردن چیزی که ضروری زندگی انسان نیست، حرام شرعی محسوب می‌گردد. قواعد فقهی، اصولی و کلامی مانند «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یا «کلما حکم به العقل، حکم به الشرع» (= قاعده ملازمه) نیز در این میان کمکی می‌کنند تا هر گونه وارد ساختن درد و رنج غیر ضروری به حیوانات ممنوع شمرده شود.

باری؛ جهت گیری مفاد کتاب و سنت به این سو است که حیوانات نیز همچون انسان، درد و رنج دارند. برخوردهای بزرگان دین اسلام با کسانی که بدون ضرورت عقلایی به حیوانات رنج وارد ساخته‌اند، نشان از باور آن‌ها به توانایی درک درد و رنج در حیوانات دارد. در روایاتی، گفتار و رفتارهایی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که مؤید این ادعا است؛ مثلاً نقل کرده‌اند که فرمود: در پیش چشم حیوانی که ذبح می‌کنید، چاقوی ذبح را تیز نکنید یا یک حیوان را پیش چشم حیوان دیگر ذبح نکنید. نقل است که روزی دو نفر سوار بر اسب ایستاده بودند و با یکدیگر سخن می‌گفتند، پیامبر آزرده شد و گفت: پشت حیوان منبر نیست؛ برای سخن گفتن از او پایین بیایید! یا روایت است که فرمود بر پشت چارپایان بیهوده درنگ نکنید. برخی شروطی نیز که ایشان برای ذبح حیوانات وضع نمود، نشان از این دارند که اولاً او به درد و رنج حیوانات معتقد بوده و ثانیاً در پی کاستن رنج بوده. در عصر جاهلی، برخی مسابقات و تفریحات وجود داشت که در آن‌ها به حیوانات درد و رنج وارد می‌شد؛ از جمله معاقره که در طی آن، اعراب در کشتن شتر یا چارپایی دیگر با هم مسابقه می‌گذاشتند. هر کس در زمان کمتری بیشترین حیوان را می‌کشت برنده به حساب می‌آمد. ابتدا با شمشیر دست و پای حیوان را قطع می‌کردند. پیامبر این عمل را حرام کرد اگرچه گوشت این حیوانات میان مردم به رایگان تقسیم می‌شد.

در سنت اسلامی، به برخی روایات دیگر برمی‌خوریم که به خصوص حاکی از دلسوزی آشکار برای حیواناتی‌اند که ذبح می‌شوند؛ در این گونه روایات حس می‌کنیم که بزرگان دینی، فقط از سر ضرورت به کشتن حیوانات رضا

داده‌اند و برای آن‌ها به شدت دل می‌سوزانند؛ مثلاً در روایتی آمده است که شخصی برای امام شیعیان از این گفت که خواسته است حیوانی را قربانی کند ولی حیوان به او نگاه کرده و این نگاه باعث شده تا او دست از ذبح بکشد. امام به او گفت من نیز خوش نمی‌داشتم اگر او را ذبح می‌کردی. خوشایند نیست که حیوانی را خود پرورش دهی و او را بکشی. اینکه کشتن حیوان دست پرورده خود، کاری ناپسند است، تقریباً در سنت مشهور است. احکام و ابواب فقهی - مبتنی بر روایات و سنت اسلامی - که به ذبح و یا شکار حیوانات پرداخته‌اند، بسیار قابل توجه و غنی‌اند و می‌توان ادعا کرد که در همه آن‌ها موضوع درد و رنج حیوانات و ضرورت جلوگیری از آن نمودی بارز دارد.

مقدمات دینی و علمی برای استدلال‌های فقهی

ما مقدمات بسیاری در دست داریم که درستی برخی از آن‌ها از مسلمات منابع روایی، فقهی، اصولی و کلامی است و درستی برخی دیگر در منابع و علوم تجربی یا اثبات شده یا به درجه‌ای معتنا به از اعتبار و درستی رسیده است. از این مقدمات می‌توان برای راه یافتن به احکام فقهی در پایین آوردن میزان کشتار حیوانات و منع بسیاری از بهره‌گیری‌های کهن و نیز حفاظت از محیط‌زیست استفاده کرد. برای نمونه:

۱. دین اسلام توانایی درک درد و رنج حیوانات را پذیرفته.
۲. دین اسلام وارد ساختن درد و رنج بر حیوانات را حرام شمرده مگر برای جلب منفعت عقلایی و ضروری برای انسان یا دفع ضرر و زیان معتنا به عقلایی.
۳. دین اسلام ایراد ضرر عقلایی را نهی کرده و دفع آن را واجب دانسته است.
۴. امروزه بسیاری از بهره‌گیری‌ها از حیوانات، نفع ضروری عقلایی ندارند. برای نمونه دیگر نیازی به سفر با شتر یا اسب نیست و وسایل دیگری در دست است یا پرورش و تولد کشتی سگ برای گله‌بانی و نگهبانی که منجر به تکثیر بی‌رویه این حیوان و در نتیجه، مایه ایراد درد و رنج بر سگ‌های بی‌شمار می‌شود، ضرورت ندارد و یا دیگر شکار حیوانات به عنوان منبع درآمد خانواده به هیچ روی کارآمدی و نفع عقلایی ندارد.
۵. دانشمندان (دست کم اکثریت آنان) بر آنند که انسان می‌تواند با جایگزین کردن مواد دیگر، گوشت‌خواری را ترک کند یا مصرف را به مقداری بسیار کمتر از آنچه هم اکنون جوامع بشری مصرف می‌شود، برساند. امکان تولید گوشت مصنوعی یا تهیه مواد جایگزین در برخی مناطق جهان فراهم شده است.

۶. بنابر برخی روایات، بزرگان دین اسلام پیروان خود از زیاده‌روی در مصرف گوشت نهی کرده‌اند؛ از جمله برخی روایات بر آنند که فقط هفته‌ای یک بار گوشت مصرف شود. زیاده‌روی و اسراف قطعاً یک فعل حرام است و روایت توصیه به مصرف یک بار گوشت در هفته و نه بیشتر، اگرچه به تنهایی بر حرمت مصرف بیشتر دلالت ندارد ولی می‌تواند حاکی از نوعی کراهت باشد.
۷. پرورش دام از عوامل اصلی گرمایش زمین است. طبق پیش‌بینی‌های علمی، در دهه‌های آینده بر گرمای زمین باز هم افزوده می‌شود و زمین و ساکنان آن با بحران‌های زیست محیطی و بلایای طبیعی فاجعه‌آمیزی رو به رو خواهند شد. کشور ما ایران در منطقه‌ای واقع است که بیش از سایر مناطق دنیا در معرض این بحران است.
۸. پرورش دام و طیور در حجم گسترده که بتواند به مصرف بی‌رویه فعلی ما پاسخ بدهد، غالباً نیازمند دستکاری‌ها و تغذیه غیرطبیعی دام و طیور و علوفه است و به لحاظ علمی ثابت شده است که استفاده مکرر و همیشگی از محصولات اینچینی، هزینه جانی و مالی هنگفتی را بر جامعه بشری تحمیل می‌کند و ضرر معنابه دارد.
۹. در کشور ما، پرورش و چرای دام در مراتع و جنگل‌ها از عوامل اصلی نابودی مراتع و جنگل‌ها است. در صورت ادامه روند نابودسازی مراتع و جنگل‌ها، کشور ایران با ضرر و زبانی غیرقابل جبران رو به رو خواهد شد.
۱۰. مصرف گوشت عامل اصلی رونق دامداری است و از سوی دیگر رونق دامداری و کوشش برای پاسخ دادن به نیاز بازار باعث شده است تا جای جای مراتع و جنگل‌های کشور، محل چرای گوسفندان شود. امروزه تقریباً تمامی زیستگاه‌های حیات وحش، در معرض چرای گوسفندان است. این امر علاوه بر اینکه حیات انواع حیوانات ارزشمند طبیعی مانند آهو، قوچ، میش، بز، کل، گرگ و خرس را (که در چرخه اکوسیستم طبیعی کشور نقش اساسی دارند) در خطر انقراض قرار داده، باعث توقف زادآوری جنگل‌ها و مراتع هم گشته.
۱۱. تولید گوشت نسبت به تولید محصولات کشاورزی آب و امکانات بسیار بیشتری را مصرف می‌کند در حالی که طبق پیش‌بینی‌های علمی، جهان ما در دهه‌های آینده با مشکل کمبود آب و امکانات تولید غذای گوشتی رو به رو خواهد شد. هرگونه افزایش مصرف گوشت خطری است که حیات بشر در کره زمین را تهدید می‌کند و ضرر معنابه دارد.

منبع: <http://dinonline.com>